

ادامه از صفحه اول

نکاتی درباره دستگیری نمایندگان مجلس

اگر این ماجرا به‌تازگی کشف شده است، چگونه پرونده اتهامی آنان با این شتاب از زمان دستگیری نمایندگان از دادسرا به دادگاه ارجاع داده شده است؟ مگر اینکه گفته شود پرونده اتهامی آنان قبلا در دادسرا مطرح و تحقیقات لازم انجام شده و بدون اخذ تأمین یا اخذ تأمین متناسب برای آنان، کیفرخواست صادر و پرونده اتهامی در دادگاه مطرح شده است. دادگاه هم با توجه به عدم اخذ تأمین کیفری یا نامناسب‌بودن تأمین اخذشده، پرونده را به دادسرا اعاده داده است. در این صورت این سؤال مطرح می‌شود چرا تاکنون درباره آن اطلاع‌رسانی شده است؟

صرف‌نظر از روند قضائی موضوع و سوابق و نتایج آن، این مسئله حائز اهمیت است که چگونه نمایندگان یادشده با وجود کنکاش‌ها و تلاش‌های شورای نگهبان و عدم انکفای این شورا به پاسخ‌های چهار مرجع پیش‌بینی‌شده در قانون انتخابات مجلس و تحقیق شورا از مجاری دیگر، احراز صلاحیت شده‌اند؟

طرفه آنکه درباره کاندیداهای ادوار اخیر مجلس بیشترین سخت‌گیری‌ها در هیئت‌های نظارت و شورای نگهبان شده و گروه زیادی از داوطلبان احراز صلاحیت نشده‌اند.
باین حال، این مجلس از نظر کارشناسان، از مجالس ضعیف ارزیابی شده است. بدیهی است هرچقدر دایره احراز صلاحیت کاندیدها محدود و تنگتر شود، افراد صالح کمتری امکان ورود به مجلس را پیدا خواهند کرد و نمایندگان حضور خواهند یافت که به‌جای رصد خلافکاری‌ها در بدنه دستگاه‌های دولتی و بخش‌های اقتصادی، به آنان ملحق می‌شوند و نمی‌توانند نقشی در پاک‌سازی محیط آلوده پیدا کنند.
بار دیگر بر این نکته تأکید می‌شود که فساد گسترده مالی و اقتصادی که بزرگ‌ترین دشمن کیان یک کشور است، با مچ‌گیری و صدور بخش‌نامه و دستورالعمل و حتی با سخت‌گیری قانونی علاج نمی‌شود؛ تنها راه مبارزه با فساد، آزادی مسئولانه رسانه‌ها و فضای رقابتی در حوزه سیاسی میان احزاب است.

هزینه گران اداره کشور

این نهادها در اصل بخشی از بودجه کشور را به خود اختصاص می‌دهند؛ اما لزوما اثر مثبتی در سطح جامعه ندارند.
بهترین شاهد این ادعا نظرات مدافعان این مؤسسات و همفکران شان است که همواره از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی و تشدید رفتار ناهنجار در سطح جامعه انتقاد می‌کنند؛ اما هرگز درباره بودجه‌ای که برای مقابله با این ناهنجاری‌ها دریافت و صرف کرده‌اند و لابد بی‌فایده و بدون دستاورد بوده، سخنی نمی‌گویند و در از ایام تخصیص بودجه مدافع کاستن از بودجه سازمان‌های دولتی و افزودن بر بودجه این نهادها هستند.
همچنین تشکیلاتی مانند صداوسیما با وجود دریافت بودجه‌های هنگفت صرفا به دلیل تنگ‌نظری‌هایی که در آن به چشم می‌خورد، نتوانسته نقش کل خود را ایفا کند؛ اما در ایام دریافت بودجه خود را ناگزیر از تعامل با دولت و جلب نظر کارشناسی سازمان برنامه و بودجه نمی‌بیند و به شکلی دیگر کار خود را پیش می‌برد و بودجه لازم و تمام و کمال دریافت می‌کند.
به بیان دیگر دولت فقط می‌تواند درباره تخصیص بودجه سازمان‌هایی مانند متولیان محیط زیست یا آموزش رایگان یا تأمین بودجه برای حل معضل نبود فضای آموزشی مناسب در برخی مناطق کشور «صرفه‌جویی» کند؛ اما بودجه سازمان‌های عریض و طویل فعال در عرصه فرهنگ را باید با گشاده‌دستی تأمین کند.
همین بحث در بسیاری از حوزه‌های تخصص و تأمین بودجه کشور نیز قابل‌طرح است. ازاین‌رو به باور نگارنده اجرای این‌ها پانزدهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که می‌تواند آثار مثبت و ارز‌شمنندی برای کشور داشته باشد، باید از نوعی بازنگری اصولی در همه عملیات‌های تخصیص بودجه آغاز شود.
در قدم اول دولت باید به اولویت‌بندی مجدد موارد مصرف بودجه و اهمیت‌دادن بیشتر به فعالیت‌هایی که به‌نوعی با رفاه عمومی، کاهش ابعاد فقر و نیز حفظ ثروت‌های ملی مرتبط هستند، فرمول جدیدی برای تخصیص بودجه بیابد که حاصل آن کاهش هزینه‌های غیرضروری و در نهایت متوقف‌شدن جریان اداره گران کشور خواهد بود.
در قدم دوم ارانه گزارش شفاف از روند تخصیص بودجه باید در دستور کار دولت قرار بگیرد؛ به‌گونه‌ای‌که فرایند تنظیم و تخصیص بودجه به جای بحث و مجالده بین گروه‌های صاحب‌نفوذ در سطح مجلس، به یک میدان جاذبه‌زنی ملی مبدل شود و مردم خود به‌نمونه‌ای صاحبان حق درباره تخصیص منابع معدود بودجه‌ای کشور نظر بدهند و اراده حاکم خود را حاکم کنند.
این امر به‌ویژه در شرایطی که تحریم‌های ظالمانه موجبات کوچک‌ترشدن سریع سفره خانوارهای کم‌درآمد را فراهم کرده، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا در چنین شرایطی کاستن از اقلام بودجه‌ای حمایت از سفره خانوارها و افزودن بر اقلام کم‌بازده یا فاقد بازدهی مانند بودجه برخی نهادهای فرهنگی که باید از طریق جمع‌آوری کمک‌های مردمی اداره شوند، جفای مضاعف در حق محرومان و مستمندان جامعه که متأسفانه تعدادشان رو به فزونی است، تلقی می‌شود.

شرق: مراسم دومین سالگرد درگذشت ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت، با عنوان «سیاست خارجی و دکترین امنیت ملی»، پنجشنبه در مسجد و کانون توحید برگزار شد. در این مراسم شخصیت‌هایی مانند محمدجواد مغفر، لطف‌الله میثی، احمد زیدآبادی، اعظم طالقانی، طاهره طالقانی، الهه امیرانظام، محسن آرمین و احمد منتظری حضور داشتند.
به گزارش ایرنا، آذر منصوری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در سخنرانی خود با اشاره به دیدگاه مرحوم یزدی درباره تهدیدات کشور گفت: «امنیت ملی از دو ناحیه تهدیدات و حملات خارجی و افزایش شکاف میان دولت و ملت تهدید می‌شود. در روابط بین‌المللی سیالیت، یوبایی و نسبیت تعیین‌کننده است.»او افزود: «مرحوم یزدی در سخنرانی‌شان در اردیبهشت سال ۵۹ در بخش‌هایی از آن می‌گویند اگر بخواهیم سیاست خارجی معنا‌داری داشته باشیم مسائل داخلی را باید حل و اولویت‌ها را تعیین کنیم، تا زمانی که دکترین امنیت ملی تدوین نشده باشد، نمی‌توان از سیاست خارجی حرف زد.»فانقم‌مقام دبیر کل حزب اتحاد ملت با تأکید بر اینکه یزدی معتقد است با تعمیق دموکراسی و دادن حقوق‌های سیاسی امکان مشارکت و توسعه کشورها و همچنین ثبات سیاسی افزایش می‌یابد، عنوان کرد: «تأکید یزدی بر تغییر نظام دسترسی محدود چه در امر سیاسی و چه امر اقتصادی از همین دیدگاه نشئت می‌گیرد.»
منصوری، نهاده‌ین‌کردن حاکمیت ملی، حفظ منافع حیاتی کشور، کاهش و فقدان تهدیدات خارجی نسبت به‌کیان کشور و منافع ملی را از اصول امنیت ملی دکترین امنیت ملی ابراهیم یزدی برشمرد و بیان کرد: «در این چارچوب، هر مذاکره‌ای که موجب رشد کشور، افزایش رضامندی کشور و تأمین استقلال کشور شود،

باید از آن استقبال کرد، چراکه مجموعه کشورهای متحد ما بیش از چهار دهه است که از سیاست درهای باز برای تقویت جی‌دی‌پی خود استفاده می‌کنند، ولی ما از فرصت‌ها استفاده نکرده‌ایم.» او گفت: «به اعتقاد من یزدی از نمونه‌های برجسته کسانی بود که در طول حیات خود دغدغه منافع ملی، مصالح کشور و مردم را داشت و این دغدغه را در هیچ شرایط نمی‌توان انکار کرد. مجموعه گفت‌وگوهای ایشان با گروه‌های مختلف و اهل گفت‌وگو‌بودن و استفاده از حداقل شرایط دموکراتیک از ویژگی‌های ایشان بود و تأکید بر ظرفیت‌های داخلی برای دموکراتیزه‌کردن کشور از ایشان یک فعال سیاست‌ورز امیدوار ساخته بود.»

احسان شریعتی: خبر درگذشت پدرم را ابراهیم یزدی به من داد

احسان شریعتی نیز در این همایش از طریق یک پیام ویدئویی با ذکر خاطره اولین دیدار خود با یزدی، گفت: «قرار بود اولین ملاقات من با یزدی، در سمینار انجمن‌های اسلامی در کالیفرنیا در اوایل سال حضورم شرق: محمدباقر قالیباف، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام که این روزها بحث جدایی‌اش از جریان ائتلاف اصولگرایی با پیشبرد پروژه نواصولگرایی و فراخوانش برای ثبت‌نام جوانان اصولگرا در انتخابات مجلس مطرح است، چهارشنبه‌شب هفته گذشته هم اعلام کرده که وحدت اصالت ندارد. بحث دیدار نوروزی‌اش با احمدی‌نژاد که این روزها مورد غضب و بی‌اعتنایی اصولگرایان است هم اخیرا بسیار بحث‌برانگیز شده است. او درباره دیدارش با محمود احمدی‌نژاد گفت: «من هر هفته در مجمع تشخیص او را می‌بینم. نزدیک به یکدیگر نیز می‌نشینیم. (باخنده) دقت کنید، من به دیدار آقای احمدی‌نژاد در آخر فروردین‌ماه به جهت احوال‌پرسی عید رفته و در آن دیدار هیچ سخن سیاسی با یکدیگر نداشتیم، حداقل مواضع من روشن است، این موضوع بسیار روشن است اما خبر عید بوده و ما به احوال‌پرسی رفتیم. این خبر در مرداد مطرح شد، گفتند آقای قالیباف با احمدی‌نژاد برای مذاکره دیدار کرده است؛ چه زمانی این سخن گفته شد؟ زمانی که من آمدم و موضوع مجلس نو را طرح کردم و گفتم جوانان پای کار یابستید. عداوت تا احساس خطر کردند، این‌گونه رفتار کردند. برخی روزنامه‌ها کاریکاتو تمام‌قد توهین‌آمین زدند، چون احساس خطر کردند. مطمئن باشید هرجا به‌درستی گام بردارید، برای تضعیف شما حرکت می‌کنند.»

گفتند اصولگرایی را مطرح نکن

او درباره اصولگرایی هم گفته است، «برخی به من گفتند سخت درست است اما مطرح نکن؛ با ما دراین‌باره صحبت کن. گفتم من و شما چه دلیلی دارد با یکدیگر صحبت کنیم، قرار نیست ما با یکدیگر صحبت کنیم، بلکه بنا است با

سیاست

مراسم دومین سالگرد درگذشت وزیر خارجه دولت موقت برگزار شد

ابراهیم یزدی؛ یک عمر به دنبال گفت‌وگو



در آمریکا باشد. در این اثنا شاهد شهادت و درگذشت ناگهانی دکتر شریعتی بودیم و قرار شد ایشان این خبر را به من بدهند که ایشان من را خواست و من از کالیفرنیا به تگراس که محل اقامت مرحوم یزدی بود، رفتم. ایشان گفتند برای دکتر شریعتی حادثه‌ای رخ داده و ایشان در بیمارستان هستند و ما باید سریع برویم تا مسئله را پیگیری کنیم.»او با بیان اینکه اقدام بعدی تسلیتی بود که رهبری انقلاب درباره درگذشت دکتر شریعتی دادند، عنوان کرد: «ایشان از مرحوم یزدی مشورت گرفته بودند. یزدی در اینجا نقش رابط و واسط دانشجویان و نیروهای خارج از کشور را در رهبری انقلاب ایفا می‌کردند. مرحله بعد مربوط به دوران حضور مرحوم یزدی در نوفل‌لوشاتو است. من در آنجا برای اولین‌بار با رهبری انقلاب دیدار کردم و هماهنگی این دیدارها با دکتر یزدی بود.»

فرزند دکتر شریعتی با بیان اینکه از ویژگی‌های مرحوم یزدی ساده‌زیستی بود، گفت: «ایشان دالما در حرکت بود و میان آمریکا، اروپا و آمریکا در آن سال‌ها

قالیباف: وحدت اصالت ندارد

جوان‌ها سخن بگویم، حتی قرار نیست تنها با جوان‌هایی که انقلابی هستند، سخن بگویم؛ ما باید با تمام جوان‌های کشور حرف بزنیم، مگر برادر جوانی که به جنگ آمد و به شهادت رسید، فاصله بین اینکه نماز دو خط درمیان خوانده تا فاصله‌ای که به اینجا رسیده و به شهادت رسیده است چقدر است؟ اگر اقدامی انجام ندهیم و اجازه دهیم در بر همان پاشنه گذشته بچرخد، چیزی درست نمی‌شود. پس از کلیپ چهار، پنج دقیقه‌ای که از جوانان برای به‌میدان آمدن دعوت کردم، مجددا برخی من را نقد کردند اما گفتند باید به این مسیر باییم. واقعا نباید تردید کنیم و واقعا بیاییم این مجلس نو را درست کنیم، وقتی می‌گوییم مجلس نو معتقدیم باید پیروز شویم، پیروز شدن به این معنا است که افرادی به مجلس آمده و کرسی بگیرند که کارآمد باشند، اگر این مجلس نیز کارآمد نباشد، بهتر است که وارد نشویم.»

اصالت ندارد

قالیباف در ادامه درباره شورای وحدت هم گفته است: «به‌روشنی عنوان کردم که وحدت برای مردم اولویت دارد اما وحدت اصالت ندارد. چرا می‌گوییم وحدت اولویت دارد، به این جهت که وحدت حتما مقدمه‌ای برای پیشرفت کار است. چرا اصالت ندارد؟ چون اگر بخواهد در بر همین پاشنه بچرخد و میدان را به جوان‌ها ندهیم، مجلس کارآمد درست نکنیم، هرکسی با هر زودبندی وارد مجلس می‌شود. این اقدام چه فایده‌ای دارد؟ هنوز در شورای وحدت تمام سلائیق کنار یکدیگر جمع نشدند اما گفت‌وگو میان تمام سلائیق انجام می‌شود، یعنی در حال حاضر جامعه روحانیت در تهران که اخیرا تشکیلات سراسری

روایت محمد مهدی کتبی‌ه از بازماندگان انفجار دفتر نخست‌وزیری

افرادی بودند که می‌خواستند کشمیری را شهید قلمداد کنند

آیا این اتفاق عمدی بوده یا اتفاقی؟ آقای کلاه‌دوز که در جلسه بود، گفت نه این امر اتفاقی بوده است. بعد از اینکه جششش جلسه شورای امنیت تشکیل شد، در این شورا نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور، وزیر کشور، رئیس شهربانی و فرمانده ژاندارمری و معاون وزیر کشور، آقای خسرو تهرانی و اطلاعات سپاه و اطلاعات کمیته، اینها در این جلسه شرکت می‌کردند. از ارتش هم تعدادی از نیروی زمینی و ستاد مشترک در این جلسه شرکت داشتند. من از سال ۵۹ تا ۶۵ که رئیس اداره دوم بودم، هر یکشنبه در این جلسات شرکت می‌کردم.
* «این جلسات برای گروه منافقین و آت‌هایی که اقدام کردند، یک چیز مشخص و شناخته‌شده بود. روز هشتم شهریور ۱۳۶۰ من که وارد جلسه شدم، کشمیری هم با من وارد جلسه شد، یعنی هر دو نفر ما هم وارد جلسه شدیم. هنوز کسی نیامده بود، یعنی ما زود آمده بودیم، آقای کشمیری یک ضبط صوت خیلی بزر را برد و گفت: من می‌برد در جلسه و صحبت‌های آن جلسه را ضبط می‌کرد، بعد پیاده می‌کرد. آن روز این ضبط صوت دستش بود و آن را آورد و گذاشت روی میز، جلوی آن جایی که آقای باهنر و آقای رجایی می‌نشینند. به نظر من هرچه بود، در این ضبط صوت بود، چون این ضبط را اگر می‌خواستیم پنج پوند بشنود، TNT بگذاریم، جا گذاشت، بنابراین احتمال می‌دهم، آن بمب ساعتی در این ضبط صوت بود، معمول این بود که در جلسه، ریاست شهربانی کل کشور، وقایع هفته را به عرض جلسه می‌رساند؛ او شرح می‌داد که در هفته گذشته چه وقایعی در کشور روی داده است. بعد از او فرماندهی ژاندارمری گزارش می‌داد، بعد کمیته و بعد سپاه و اینها گزارش‌هایشان را می‌دادند و تصمیم‌های‌ت‌ها می‌گرفتند.
* «آن روز اولین نفری که گزارش داد، آقای وحیدستجردی بود، رئیس شهربانی کل کشور، گزارش هفته را داد، آخرین بند گزارش آقای وحیدستجردی این بود که در کرمانشاه افسری به نام سرگرد همتی توسط پاسدار خودش به قتل رسیده است. این گزارش که ایشان داد، آقای رجایی از نماینده سپاه پرسید که

در حرکت بود و در فرانسه نقش روابط عمومی و موضع‌گیری‌های بین‌المللی رهبری انقلاب را بر عهده داشت که این نقش تا دوران وزارت امور خارجه‌شان ادامه داشت.»

اصغرزاده: روحانی باید از حق حاکمیت ملی دفاع کند

به گزارش روابط عمومی نهضت آزادی ایران، ابراهیم اصغرزاده نیز در این مراسم گفت: «ما می‌توانیم هم با گفت‌وگو کنیم راجع به خیلی از مسائل. ما می‌توانیم انتقاد کنیم. مگر ما خطا نکردیم؟ مگر ما دچار اشتباه نشدیم؟ ملت ایران ملت بزرگی است. نگاهی که دکتر یزدی به امنیت ملی داشت، این است که کسی را که از همه به ما دورتر است، به خود نزدیک کنیم. دشمن بالفعل را به دشمن بالقوه تبدیل کنیم و دوست بالقوه را تبدیل کنیم به دوست بالفعل.» او افزود: «آقای روحانی برای انتخابات مجلس در آئینه که نزدیک است و با یک یخبندان و قهر عمومی مواجه است، چطور می‌تواند از حاکمیت ملی و حقوق شهروندی دفاع کند؟ اگر می‌خواهد از او یک چهرة ملی و قابل قبول در تاریخ بماند، باید از حق حاکمیت ملی دفاع کند و غیر از این اصلا امکان ندارد. اگر نه باید بداند که در انتخابات آئنده ما باید منتظر رابین‌هودهای دیگری باشیم که توسعه و آزادی در این کشور را به تأخیر می‌اندازند.»یوسف یزدی، فرزند ابراهیم یزدی نیز در این مراسم، گفت: «پدرم همیشه می‌گفت شیطان همه انسان‌ها را وسوسه می‌کند و اگر شیطان موفق است، نباید تقصیر شیطان گذاشت، باید تقصیر ضعف آن آدم‌ها دانست که آدم‌هایی ضعیف هستند و شیطان می‌تواند روی آنها اثر بگذارد. اگر مردی قوی است، اگر کشوری قوی است، فشارهای خارجی نمی‌تواند خیلی روی آن تأثیر بگذارد.»

برپا کرده و ظاهرا دفاتری نیز دارد، فعالیت‌هایی انجام می‌دهد، با برخی دیگر از جریانات سیاسی مانند دوستان در مجموعه پاینداری نیز گفت‌وگو صورت می‌گیرد، باید بگویم که تمام این اتفاقات خوب و مثبت است. سخن ما این است که با اصولگرایی را پیش از اینکه بگویم یک جریان سیاسی است، یک اساس سیاسی است. هنگامی که سخن از اصولگرایی می‌شود، ما آن را در مقابل اصلاح طلبی می‌بینیم؛ ما معتقدیم اصول و اصولگرایی مبتنی بر مبانی اندیشه سنت‌های الهی است.»

کنتورم را صفر می‌کنم

او درباره پیشنهاد برعهده‌گرفتن ریاست بنیاد مستضعفان هم گفته است: «بله دراین‌باره با من صحبت شد. من گفتم حتما هر وظیفه‌ای به دوش من باشد، بدون چون‌وچرا آن وظیفه را انجام می‌دهم اما این نظر خودم را بخواهید، نظرم آن است که دیگران هستند که این کارها را انجام دهند؛ اجازه دهید قبل از بحث بنیاد را بگویم. دی‌ماه ۹۶ چندماه‌ی تازه از کار فارغ شده بودم که توفیق سفر حج پیدا کردم. هنگامی که در جلسهای با دوستان جمع شدیم، من در آنجا مطرح کردم که در دی ۹۶ کنتر خود را صفر می‌کنم و هیچ‌گونه‌مسئولیت رسمی و اجرایی نمی‌پذیرم. می‌خواهم در میان جوانان کار کنم و به آنان نشان دهم با دست‌خالی بدون هیچ پولی می‌توان کار کرد. کسی که کار جهادی می‌کند، باید دو چیز را بخواهد: پول و اختیار. هرکسی که پول و اختیار نداشته و کار کرد، باید آن کار جهادی است. اگر من به بنیاد رفته بودم و درباره مجلس نو صحبت می‌کردم، کسانی که دنبال تخریب من هستند، چه می‌گفتند؟

روایت محمد مهدی کتبی‌ه از بازماندگان انفجار دفتر نخست‌وزیری

«جلسه چون طولانی بود، هر کسی خسته می‌شد یا دست‌نویسی داشت یا جای می‌خواست بخورد یا از سالن بیرون می‌رفت و دوباره برمی‌گشت. آقای کشمیری هم برای آقای رجایی و آقای رجایی باهنر معمولاً جای می‌برد و چون آخر سالن یک سماور و فلاسک جای بود، او برای تهیه چای به آنجا می‌رفت؛ آن روز هم ایشان این کارها را می‌کرد و چون خودش می‌دانست ساعتی که بمب منفجر می‌شود چه‌موقع است، قبل از انفجار از در بیرون رفته بود. بنابراین هیچ‌کسی هم نمی‌دانست که کشمیری در جلسه بوده یا نبوده و بعد از آن یک جنازه ظاهری برایش درست کرده بودند و گفتند این هم شهید شده و در شعارها هم می‌گفتند او هم شهید شده، ولی بعد در خانه‌اش رفتند و گفتند چند روز در خانه نبوده و زن و بچه‌اش را هم برده و معلوم می‌شود که از همان جلسه به خارج از کشور رفته است.
* «من داشتم این صحبت‌ها را می‌کردم. یک وقت احساس کردم بی‌اختیار بلند شدم‌ام و ایستاده‌ام، موهای سرم آتش گرفته بود. با دستم می‌کشیدم روی موهایم که آتش خاموش شود. تقریبا هوش و حواس و حافظه را از دست دادم، حتی صدای این انفجار که تا ۲۰۱۰ کیلومتری شنیده شده بود، آن صدا هم به گوش من نیامده بود. چون پرده گوش من پاره شده بود.
* فکر می‌کردم الان دیگر داریم می‌میریم و الان آخرین لحظات زندگی ماست و شروع کردم به توسلات. یک وقت به فکرم رسید و دستم را تکان دادم و دیدم خوب است، پام را تکان دادم و دیدم خوب است، گوشه چشمم را باز کردم و دیدم سالن پر از دود غلیظ قهوه‌ای است. کل سالن از دود پر شده بود. جلوی در ورودی نشستم و نگاه به پشت‌سرم کردم و دیدم در هم شکسته و کاملا خرد شده بود؛ یعنی دیگر دری وجود ندارد. من اولین نفری بودم که از سالن آمدم بیرون. به راه‌پله که رسیدیم، دیدم راننده من دارد می‌آید بالا، گفتم چه سریع ماشین را بردار و بیاور. ایشان هم رفت ماشین را آورد، بعد از من هم آقای وحیدی که معاون تصمیم‌های‌ت‌ها ستاد ارتش بود، آمد. ماشین من را سوار شد و به بیمارستان پاستور برای بانسمان رفتیم. بعد دیدیم یکی‌یکی همه اینها که در سالن بودند آمدند آنجا، ولی شهید رجایی و شهید باهنر را نیاوردند. ما سؤال کردیم اینها کجا هستند، چرا اینها را نیاوردند؟ گفتند اینها را بردند جای دیگر و به ما نگفتند اینها شهید شده‌اند. شب که شد، ما فهمیدیم اینها به شهادت رسیده‌اند.

یادداشت

آکروبات بازورویای آمریکایی



● این سال‌ها و روزها او بیشتر به یک آکروبات‌باز سیاسی شبیه شده است تا معترضی با اصول سیاسی. احتمالا هدف اولش جلب توجه است. به‌خوبی یاد گرفته چه کند که برای طولانی‌مدت در حاشیه اخبار نماند. هدف دومش زمینه‌سازی برای بازگشت به قدرت، با سیاست‌هایی است که شاید برای ما عجیب، بی‌پرنسیب و بدون اصول به نظر برسد؛ اما او از همین طریقی می‌خواهد برای خودش بدنه حامی جفت‌وجور کند. کنش این سال‌های اخیر یاسقادرش حاکی از یک چرخش در نگاه به بدنه حامی‌اش است. اگر چرخش در نگاه به بدنه حامی‌اش است. اگر سال ۸۴ صرفا با نگاه به طبقه زیر متوسط و شعار حمایت از مستضعفان و عدالت‌محوری به میدان آمد، حالا می‌داند که برای موفقیت دست‌کم باید بخشی از طبقه متوسط یا مدرن‌تر جامعه با زیست متفاوت را هم همراه داشته باشد. آن بخش از جامعه که فاقد آگاهی سیاسی منسجم است؛ اما سبک و سلیقه زندگی متفاوت یا مدرن‌تری برای خود برگزیده، شاید مجذوب حرکات اکروباتیک رئیس سابق دولت شود. برای همین از یک طرف همچنان به سفرهای استانی می‌رود و اهالی یک روستا را دور خودش جمع می‌کند و همان حرف‌های مهیجی را می‌زند که آنها می‌پسندند و از طرف دیگر درباره لباس تنیسور زن آمریکایی، آن هم به زبان انگلیسی توییت می‌کند یا تولد مایکل جکسون را تبریک می‌گوید. اگر دقت کنید، متوجه می‌شوید که او علاقه یا نگاه خاصی هم به زندگی آمریکایی دارد. توییت‌های محمود احمدی‌نژاد بیش از اینکه شبیه واکنش‌های رسمی و عرفی این سال‌های سیاسیون در مواجهه با سیاست‌های آمریکا باشد، با نگاهی حامیانه سر در زیست آمریکایی دارد. از آن‌رو که انگلیسی هم فراگرفته و به این زبان هم توییت می‌کند، انکار بیشتر به دنبال جلب توجه مردم انگلیسی‌زبان به‌ویژه قاره آمریکاست. شمالی است. چند وقت پیش تیم بسکتبال تورنتو ریتورز با پیروزی مقابل گلدن استیت برای نخستین بار قهرمان ان‌بی‌ای شد. احمدی‌نژاد این پیروزی را در توییترش به این تیم و بهترین بازیکنش تریک گتته و نو نوشته بود که در رئیس‌جمهور نبود، کل این تیم را به ایران دعوت می‌کرد؛ این پیروزی تیم بیس‌بال شهر بوستون رد ساکس را در مسابقات ۲۰۱۸ worldseries برهمیت‌ترین یافته و به شهروندان بوستونی و طرفداران تیم مورد علاقه‌شان تبریک گفته است. مدتی پیش هم از مرگ نیپسی هاسل رپر ۳۳ساله آمریکایی و ۱۰ نفر دیگر که در لس‌آنجلس کشته شده بودند، در توییترش اظهار ناراحتی کرد و نوشت: «به‌تازگی از مرگ «نیپسی هاسل» مطلع شدم و از شنیدن مرگ او و ۱۰ نفر دیگر که در هفته گذشته در لس‌آنجلس کشته شدند، اندوهگین شدم. چگونه می‌توان زندگی شخصی را به این راحتی گرفت؟». در ادامه هم بخشی از یکی از ترانه‌های توپاک شکور، رپر آمریکایی دیگری را در توییترش به سرنو ویلیامز، سرنا ویلیامز، تنیسور آمریکایی، هم که برای لباس مسپان یکسره مشککی‌اش با برگزارکنندگان مسابقات به مشکل برخوردده بود، از چشمان رئیس دولت سابق دور نماند و او درباره‌اش نوشت: «چرا فرنچ اوپن (رقابت‌های تنیس فرنچ اوپن در پاریس) به سرنو ویلیامز بی‌احترامی کرده است؟ متأسفانه برخی افراد در همه کشورها از‌جمله کشور خودم، معنی واقعی آزادی را نمی‌دانند». حالا هم که زادرور مایکل جکسون را تبریک گفته است، البته به نظر می‌رسد قصدش بیشتر بهره‌برداری سیاسی از این ترانه او بوده است: «من از مرد درون آینه شروع می‌کنم، از او می‌خواهم که خود را درگون کند».او اگر فرصت کند که از پیگیری رخدادهای ورزشی و فرهنگی آمریکا فارغ شود، نیم‌نگاهی هم به داخل دارد و مثلا ناگهان درباره کسی توییت می‌کند که هویت و زیست سیاسی‌اش در این سال‌ها نه‌فقط هیچ سختی با او نداشته؛ بلکه برعکس، در جبهه مقابل او بوده است؛ مهدی بازرگان. او در سالروز درگذشت رئیس دولت موقت توییت کرده بود: «۳۰ دی، درگذشت مهندس بازرگان است؛ انسانی که تا پایان عمر بر دین، دانش، اخلاق و ایران پایدار ماند. او از خلع ید انگلیس از دانشگاه و به فرمان امام راحل (ره) مدیریت اعصاب شرکت نفت در انقلاب و اداره دولت موقت، جز بر منافع ایران و ایرانی نایستاد.» حرکات اکروباتیک محمود احمدی‌نژاد شاید اولین بار سال ۹۵ با این توییت شروع شد: «چاوز زنده است تا زمانی که انسانیت، آزادی و حقیقت زنده است. او بازمی‌گردد؛ همان‌طور که آزادی و عدالت بازخواهد گشت!»